

«قافیه مقدم» و «نعمه حروف»

تعریف:

«قافیه مقدم» یکی از صنایع شعری ست و عبارت است از: «به کار بردن دو یا چند کلمه، یا هجا، که با حروف همانند یا آوای یکسان، آغاز می شوند»،^۱ مانند تکرار حرف «ت» و «گ» در بیت زیر:

تنت برتگ رخس مهمان کنم به گرزو به گویال درمان کنم
این تکرار حروف یا آواهای همانند در زبان فارسی مورد بحث جدی قرار نگرفته و به قول مرحوم دکتر هروی «شناسایی این ظرافتها می تواند راز دلبری هنرمند را آشکار سازد و راهنمایی برای هنرمندان بعدی قرار گیرد».^۲

سابقه:

آشنایی من با این صنعت شعری باز می گردد به سالهای نخست دهه شصت میلادی که در دانشگاه لندن مشغول تحصیل بودم. دوستی از مسلمانان هندوستان که دوره دکتری ادبیات انگلیسی را طی می کرد و از من برای یادگیری زبان فارسی کمک می گرفت^۲ روزی بی مقدمه از من پرسید آیا در زبان فارسی قافیه مقدم هست؟ مقصودم در شعر فارسی ست؟ گفتم من این کلمه را نمی شناسم و معنی آن را نمی دانم. توضیح داد. بلا تأمل به او گفتم: بله. چون از خاطر گذشت این دو بیت از شاهنامه:

فریدون فرخ فرشته نبود ز مشک و ز عنبر سرشته نبود
زداد و دهش یافت این نیکویی تو داد و دهش کن فریدون تویی
که در کودکی از پدر آموخته بودم و خوب به یاد داشتم که فرمود به «فر» که سه بار در

کلمات فریدون، فرخ و فرشته تکرار شده توجه کنم، و سپس هشدار داد در مورد حرف «دال» در کلمات داد و دهش در بیت دوم.

از همان تاریخ در ذهن خود این صنعت را قافیه مقدم،^۳ اصطلاح کردم و گهگاه که شعری می خواندم به این نکته توجه داشتم. بعدها برای بهتر فهمیدن آن در زبان فارسی از دوست دانشمند فقیدم، مرحوم دکتر مهرداد بهار یاری خواستم و با کوشش او به کتابخانه دانشکده السنه شرقیه دانشگاه لندن راه یافتم، ولی کتاب یا جزوه ای که در این باب نوشته شده باشد نیافتم، و رها کردم کوشش در این راه را.

ایام تعطیلات تابستان برای ما - دانشجویان حقوق، با آن زبان سنجیده، فشرده و خشک کتابهای حقوقی انگلیسی - فرصتی بود تا با سایر جلوه های فرهنگ انگلیسی آشنا شویم. هرگاه فرصتی به دست می آمد، درباره قافیه مقدم نیز جستجویی می کردم، ولی بدبختانه در کتب کتابخانه های عمومی نیز مطلب چندانی، جز تعریف واژه مزبور، به دست نمی آمد.^۴ کوشش پراکنده و مختصر من در زمینه قافیه مقدم در ادب انگلیسی بالغ بر این شد که:

قافیه مقدم در زبان انگلیسی باستان (دوره انگلوساکسون یا تیوتاتیک)^۵ مرسوم بوده و در نظم و نثر تا اواسط قرن یازدهم میلادی رایج. پس از آمدن نورمن ها،^۶ و به پیروی از زبان فرانسوی، قافیه معمولی جایگزین آن شده است. در قرن چهاردهم میلادی، و پس از فروکش کردن هیجان نوآوری قافیه معمولی رایج در زبان فرانسوی، دوره بازگشت ادبی به قافیه مقدم صورت گرفته بوده است. این بازگشت ادبی عمری کوتاه داشته است و از قرن پانزدهم به بعد قافیه معمولی وجه رایج اسلوب ادبی در شعر تلقی شده است. در کارهای شکسپیر گهگاه به این صنعت بر می خوریم^۷ و از شعرای اخیر ظاهراً آقای اودن^۸ به این صنعت توجهی داشته است.

قافیه مقدم از نظر ادبی همان نقشی را بر عهده دارد که قافیه معمولی. یعنی همان طور که قافیه معمولی ذهن را برای پیش بینی واژه ای که در پایان بیت خواهد آمد آماده می سازد، و در نتیجه آهنگ موسیقایی واژه های پایانی زودتر و دلنشین تر در ذهن بازتاب می یابد، قافیه مقدم نیز ذهن را در جستجوی حرف، یا آوای تکراری، که واژه نخستین با آن آغاز شده است، به تکاپو می دارد و بر اثر تکرار دو حرف یا آوای یکسان در آغاز دو یا چند کلمه پیایی، آهنگی دلنواز در گوش خواننده برپا می دارد و کلام را آهنگین، و موسیقی وارو طنین افکن می سازد. ناگفته نماند که کاربرد این صنعت، مانند سایر صنایع شعری، هنگامی شیرین و اثر گذار می باشد که «لطف سخن» و دسترسی به گنجینه واژه های هم آغاز، طبیعی و ناشی از ذوق خدادادی باشد و گرنه و سمه بر ابروی کور خواهد شد.^۹

در آغاز دهه شصت، که دانشگاهها بسته بود، استاد فقید و دوست دیرینم، حافظ شناس موسیقیدان، مرحوم دکتر حسینعلی هروی و این فقیر را مصاحبت افزونتری نصیب شده بود. روزی از من پرسید «آقای مسعود فرزند را می شناسی؟». گفتم: «آری، در زمان تحصیل من در لندن ایشان سمت سرپرستی دانشجویان را داشتند و چون در من ذوقی می دیدند گهگاه مرا می پذیرفتند. او از سرنوشت تحقیقاتش در مورد حافظ با تلخی بسیار گلایه ها داشت». گفتم: «از گلایه ها فعلاً بگذر.^{۱۰} این مسأله آلیتراسیون، که وی بدان اشارت دارد چیست؟ و کاربرد این صنعت در ادب انگلیسی تا چه حد است؟» مختصر سابقه ای را که در بالای این نوشته آمده است برای وی توضیح دادم.

مرحوم دکتر هروی گفت. این قافیه مقدم در حافظ بسیار است، ولی حافظ در میانه مصراع هم بسیار از این صنعت در جهت شیوایی کلام و آهنگین ساختن عبارات استفاده می کند. پیشنهاد کردم که با وسعت آگاهی در زمینه حافظ و موسیقی کلام او، کتابی در این زمینه بنویسد. فرمود که مرا به کاری انداخته ای که فرصت سر خاراندن هم ندارم.^{۱۱} بهتر است تو که طرف انگلیسی این مقوله را هم می دانی کاری بکنی. غم معاش را فرصت چنین کاری نبود. اما در ذهن می گذشت که احیاناً می شود مقاله ماندی از پاره ای قافیه های مقدم در زبان فارسی گرد آورد.

مقالات حافظ، مجموعه ای از نقدهای دکتر هروی بر چاپهای مختلف دیوان حافظ و بررسی و تحلیل پاره ای پیشنهادها ورد یا قبول آنها در سال ۱۳۶۸ چاپ شد. دکتر هروی در «نقدی بر حافظ مسعود فرزند»، در نقد بیت:

بی ناز نرگش سر سودایی از ملال همچون بنفشه بر سر زانو نهاده ایم
در تأیید وجه پیشنهادی خود، و پس از اشاره به کلمه «الیتراسیون» مورد استفاده مرحوم فرزند، می نویسد:

ظاهراً از مقوله تجنیس است... یک گوش [آشنا به] موسیقی به آسانی تشخیص می دهد که تکرار مناسب [توالی] حروف «ن»، «و»، «س» و «ل» در مصراع اول و «ب» و «س» و «ن» در مصراع دوم، مثل تکرار یک نت موسیقی در فواصل معین، چه ملودی دلنشینی از صدای حروف ساخته است. اگر بخواهیم برای این صنعت لفظی انواعی قائل شویم، و به هر نوع نامی بدهیم، شاید نام «توالی زنجیری» برای این نوع مناسب باشد، و این در انواعی که یافته ایم دشوارترین است.^{۱۲}

ظاهراً دکتر هروی بیشتر به نوای دلشین موسیقایی حاصل از پاره ای حروف هماهنگ، یا هم وزن از نظر نت نویسی در موسیقی نظر داشته است، زیرا صحبت از تکرار

حروف «ن و س و ل» و «ب و س و ن» در میان است در حالی که صنعت قافیه مقدم نظر بر حروف یا آواهای یکسان در آغاز کلمه دارد. مثلاً در همین بیت حرف «ن» دوبار (ناز- نرگس) و «س» دوبار (سر- سودایی) تکرار شده است و تا حدی جوا بگوی قافیه مقدم تواند بود. در همین مقاله، اما، ایشان به شش مورد قافیه مقدم، از ساده تا مرکب، اشاره کرده اند که سه مورد آن دقیقاً مصداق قافیه مقدم است و سایر موارد قافیه مقدم (نغمه حروف!) در متن کلام است که در زیر خواهد آمد.

به هر حال، دکتر هروی در مقاله «نظری به «کلام و پیام حافظ»،^{۱۳} دوباره به قافیه مقدم پرداخته اند و می نویسند:

اصطلاح «واج آوایی» که از سوی نویسندگان برای نوعی صنعت تجنیس در اشعار حافظ ابداع شده است با آن که خالی از ظرافتی نیست، به علت تازه ساز بودن به گوش گران می آید... استاد خانلری در مقاله ای - که جای آن را اکنون به خاطر نمی آورم - بدان توجه نموده و آن را «نغمه حروف» نامیده است.^{۱۴} ... هم به خوبی گویای معنای مورد نظر است و هم دلنشین تر از «واج آوایی»، که واج دور از ذهن آن به سهولت آراسته نخواهد شد.

به نظر می رسد که «نغمه حروف»، که استاد سخن شناس دکتر خانلری پیشنهاد کرده اند، را بتوان برای کل مبحث حروف و آواهای یکسان، که شعر را دلنشین می سازد، به کار برد و «قافیه مقدم» را برای بخش ویژه حروف و آواهای یکسان واژه های آغازین یک بیت یا عبارت.

با بررسی کوتاهی در شعر کهن پارسی، چنین می نماید که این صنعت - که شاید جلوه دیگری از هم‌ریشه بودن زبان فارسی و زبانهای هند و اروپایی باشد - تا اندازه ای، و به طور طبیعی، در کلام موزون پارسی مرسوم بوده و هجوم زبان عربی نتوانسته آن را از میان بردارد، برخلاف زبان انگلیسی کهن در مقابله با هجوم زبان فرانسوی عهد نورمن ها، که تا حدود زیادی سپر انداخته و پرچم تسلیم برافراشته است.

*

چنان که در آغاز این مقاله آمد، «قافیه مقدم» عبارت است از: «آغاز دو یا چند واژه یا هجا با حروف یا آوای یکسان و همانند». بنا بر این:

۱- همان طور که همانندی حروف در زبان انگلیسی تنها شرط قافیه مقدم نیست و آواهای یکسان برای ایجاد صنعت مطلوب همسنگ محسوب است،^{۱۵} می توان گفت که حروف عربی، که تلفظ آنها در زبان فارسی تلطیف شده است، با سایر حروف مشابه در زبان فارسی برای ایجاد آهنگ دلنواز در کلام همسنگ بوده و می تواند اجزای «قافیه

مقدم» را تشکیل دهد: مانند حروف «ص» و «ث» همراه با «س»، حرف «ق» با «غ»، حرف «ض» و «ظ» با «ز» و حرف «ط» با «ت» فارسی، همچون
تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد وجود نازکت آزرده گزند مباد
که نه تنها حرف «ز» دوبار در مصراع اول و سه بار در مصراع دوم آمده و «نغمه حروف» را تشکیل داده، حرف «ت»، (در «تنت») و «ط»، در (طیبیان) هم قافیه مقدم ساخته اند. در بیت زیر:

صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن دور فلک درنگ ندارد شتاب کن
دو حرف ص (در صبح) و س (ساقیا) قافیه مقدم ساخته اند. حرف الف و ع در شعر زیر نیز مشمول همین قاعده است:

ای عروس هنر از بخت شکایت منمای حجله حسن بیارای که داماد آمد
حافظ مخصوصاً از قافیه مقدم و نغمه حروف چندان استفاده می برد که شاید راز زیبایی کلام او در همین نکته نهفته باشد. در همین بیت بالا حروف «الف» و «ع» در آغاز بیت (قافیه مقدم) چنان خوش در کنار هم نشسته اند که خواننده احیاناً از «حجله حسن»، تکرار حرف «ح»، غافل می ماند.

۲- اگرچه قافیه مقدم صنعت شعری ست و بیشتر در شعر کاربرد داشته است، ذوق طبیعی در پذیرفتن آهنگ حروف، که به کلام ترنگی ویژه ای می بخشد، چندان متجلی است که در ادب فارسی محاوره ای، و نیز در محاوره انگلیسی، هم راه یافته و بسیاری از گفته های کوتاه خود را بدین صنعت آراسته اند، مانند: هر گردی گردو نیست، (حرف گ)؛^{۱۶} «صحیح و سالم» (ص و س) که به نظر نگارنده این سطور مصداق بارز بند بالاست، و گفته می شود فلانی صحیح و سالم به مقصد رسید؛^{۱۷} «بادا باد» (حرف ب)، که گاهی هم گفته می شود هرچه بادا باد؛^{۱۸} عبارت کاملاً عامیانه و عوامانه «خر تو خر» (حرف خ)، که خوشبختانه به تازگی عبارت «شیر توشیر» جای آن را گرفته، و شگفت این که عبارت جایگزین نیز دارای قافیه مقدم «ش» هست.^{۱۹} عباراتی از این دست بسیار است مانند: «حال و هوا» (بنگرید به بند ۱ بالا)؛ «خط و خال»؛ «عیب و عار». در عبارت رایج «طاقم طاق شد» (حرف ط) از جمله همین موارد است.

۳- قافیه مقدم گاهی برای تأکید منظور شاعر و تکیه بر نکته ای، یا تشدید اثر کلام و انتقال بهتر احساس شاعر به خواننده مورد استفاده قرار می گیرد، مانند شعر زیر از سعدی:
خبرت خرابتر کرد جراحی جدایی چو خیال آب روشن که به تشنگان نمایی
در این بیت حرف «خ» در «خبر» تأکیدی ست بر «خرابتر»، و حرف «ج» در جراحی

تکیه ای بر جدایی. در واقع احساس «جدایی»، که خود متضمن به رنجش و جراحی روحی ست، با کلمه جراحی فشرده‌گی و تاکیدی بیشتر یافته و این هر دو با کلمه های «خبرت خرابتر» تاکیدی ثانوی برداشته و می توان گفت احساس جدایی را، که خود احساس شدیدی ست، به قول ریاضی داناها به «توان» سه رسانده است. این دو قافیه مقدم - به ویژه با تناسب ارزشی - ادبی دو حرف «خ» و «ج» برای بیان درشتیها و ناهمواریهای کلام و زندگی - چنان خوش در کنار هم نشسته اند و آزرده‌گی جان آزار فراق را چنان آهنگین و موسیقایی بیان کرده اند که می توان گفت مصراع اول تمامی احساس شاعر را به خواننده منتقل کرده است و ما را از مصراع دوم، با همه زیبایی، بی نیاز کرده است. در شعر زیر، از فردوسی:

شبی چون شبه روی شسته به قیر نه بهرام پیدا، نه کیوان، نه تیر
تکرار سه گانه حرف «ش» در قافیه مقدم، جهت تأکید است بر احساس شاعر از شبی بی ستاره. «شبی» که «شبه» سیاهی آن را چندین برابر کرده است و کلمه «شسته» آن را در قیر مذاب فرو برده است و مجموعاً شبی تاریک و هولناک را تصویر نموده است، و تکرار سه باره حرف «ش» خواننده را ناخود آگاه و به آرامی در این شب تاریک غرقه نموده است.

۴- قافیه مقدم اصولاً برای ایجاد آهنگی گوشنواز در کلمات، تأثیر موسیقایی آن در خواننده و القاء آرام و ناخود آگاه، اما شدید، احساس شاعر در خواننده است. شک نیست که تکرار یک حرف یا ترکیب دو یا چند حرف در قافیه مقدم هرچه بیشتر باشد - به شرط آن که به فصاحت کلام خدشه ای وارد نشود و شعر از مجرای طبیعی خود به سنگلاخ صنعت سازی نیفتد - بر تأثیر موسیقایی کلام و القاء احساس گوینده به خواننده می افزاید. و از همین روست که نمونه های طبیعی قافیه مقدم در اشعار متقدمین دلنشین تر و در انتقال احساس به خواننده موفق تر می باشند.^{۲۰}

*

اینک برای تکمیل مبحث چند نمونه از قافیه مقدم را، که همگی را از حافظه نقل می کنم، و کاستیهای آن را ارباب فضل خواهند بخشید، با توجه به تعدد تکرار یک حرف یا بیشتر تقدیم می دارد:

۱- تکرار دوباره یک حرف، یا قافیه مقدم ساده، مانند ابیات زیر:

۱-۱ - «تکرار حرف میم»:

میر ماه است و بخارا آسمان ماه سوی آسمان آید همی

(رودکی)

۱-۲. تکرار حرف «س» در هر دو مصراع:

سپید سیم رده بود و در و مرجان بود ستاره سحری بود و قطره باران بود

(رودکی)

۱-۳. تکرار حرف «ش» در مصراع اول و تکرار حرف «خ» در مصراع دوم:

شور در شهر فکند آن بت زنار پرست چون خرامان ز خرابات برون آمد مست

(سنائی)

۱-۴. تکرار دوباره حرف «دال» در مصراع اول و تکرار سه باره حرف «س» در

مصراع چهارم از دوبیتی زیر:

دلی دیرم ز عشقت گیزه ویژه مژه بر هم زخم سیلابه خیزه
دل عاشق مثال چوب تر بی سری سوژه سری خونابه ریژه

(با باطاهر)

۱-۵. تکرار حرف «ب» در بیت زیر:

بوی بهشت می گذرد یا نسیم دوست یا کاروان صبح، که گیتی منور است

(سعدی)

۱-۶. تکرار حرف «ج»:

چشم چپ خویشتن بر آرم تا چشم نیندت به جز راست

(سعدی)

۱-۷. تکرار حرف «ع»:

عوام عیب کنندم که عاشقی همه عمر کدام عیب، که سعدی خود این هنر دارد

۱-۸. تکرار حرف «خ»:

خواب خوش من ای پسر، دستخوش خیال شد نقد امید عمر من، در طلب وصال شد

(سعدی)

۱-۹. تکرار حرف «ش»:

شبی و شمعی و جمعی، چه خوش بود تا روز نظر به روی تو کوری چشم اعدا را

(سعدی)

۱-۱۰. تکرار حرف «ج»:

جز جفا با اهل دانش مرفلک را کار نیست زانکه دانا را بر نادان بسی مقدار نیست

(ناصر خسرو)

حافظ چنان که گفته شد، از قافیه مقدم و نعمه حروف استفاده بسیار می برد.
۱۱-۱. تکرار حرف «ب» در مصراع اول و تکرار حرف «ک» در مصراع دوم بیت

زیر:

- بالا بلند عشوه گرنقش باز من کوتاه کرد قصه زهد دراز من
۱۲-۱. تکرار حرف «میم»:
- ماهی و مرغ دوش نخفت از فغان من و آن شوخ دیده بین که سر از خواب بر نکرد
۱۳-۱. تکرار حرف «دال»:
- دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمانہ زدند
۱۴-۱. تکرار «عا» و آ، یعنی ع و الف، که با استفاده از حرف «الف» دوم یکی از
بهترین مصادیق بند یک بالا می باشد:
- عابدان آفتاب از دلبر ما غافلند ای ملامتگر خدارا، رومبین، آن رو بین
۲- تکرار سه باره یک حرف
- ۱-۲. حرف میم در بیت زیر از سنائی
- منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا وین هر دو نام ماند، چوسیمرغ و کیمیا
۲-۲. حرف «ب» در بیت زیر، از خیام:
- برخیز بتا یباز بهردل ما حل کن به جمال خویشتن مشکل ما
۳-۲. حرف «دال» در این بیت از سعدی:
- درد دل دوستان، گر تو پسندی رواست هر چه مراد شماست، غایت مقصود ماست
۴-۲. حرف «ب» در این بیت سنائی:
- برگ بی برگی نداری، لاف درویشی مزن رخ چو عیاران نداری، جان چونامردان مکن
۵-۲. حرف «س» در این بیت از حافظ، که در آن حرف «ق» دوبار، حرف «ج»
دوبار و حرف «ک» هم سه بار تکرار شده و نعمه حروف تشکیل داده است:
- ساقی سیم ساق من، گر همه درد می دهد کیست که تن چو جام می، جمله دهن نمی کند
۳- تکرار چهار باره یک حرف
- ۱-۳. حرف «ب» در بیت زیر از سعدی:
- بستان و بده، بگویی و بشنو شبهای چنین نه وقت خواب است
۲-۳. حرف «س» از سعدی:
- سر سعدی سرای سلطان است تا در آن جا گهی گذار کند
۳-۳. حرف «ع»، در این بیت از سعدی:

- عوام عیب کنندم که عاشقی همه عمر کدام عیب که سعدی خود این هنر دارد
 ۳-۴. حرف «ج» در بیت زیر از حافظ:
 جان بی جمال جانان میل جهان ندارد هر کس که این ندارد، حقا که آن ندارد
 ۴- تکرار پنج باره یک حرف
 ۴-۱. حرف «ش» در بیت زیر از سعدی:
 شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی غنیمت است دمی روی دوستان بینی
 ۴-۲. حرف «م» در بیت زیر از حافظ:
 مدام مست می دارد نسیم جعد گیسویت خرابم می کند هر دم فریب چشم جادویت
 ۵- تکرار دوباره دو حرف پیوسته:
 ۵-۱. تکرار «با» در بیت زیر از سعدی:
 بالای بام دوست چوتوان نهاد پای هم چاره آن که سر بنهی زیر پای دوست
 ۵-۲. تکرار «سا» در بیت زیر از حافظ:
 ساقیا سایه ابراست و بهار و لب جوی من نگویم چه کن، اراهل دلی خود تو بگوی
 ۵-۳. باز هم از حافظ: ترکیب «پ» و «ی»: «پی» در پیرو پیمانه:
 پیر پیمانه کش من که روانش خوش باد گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان
 ۶- تکرار دوباره سه حرف پیوسته در ابیات زیر از حافظ:
 ۶-۱. تکرار سه حرف پیوسته م، س، ت: «مست»:
 مستور و مست هر دو چو از یک قبیله اند ما دل به عشوه گه دهیم، اختیار چیست
 ۶-۲. تکرار سه حرف پیوسته ج، ش، م: «چشم»:
 چشمه چشم مرا ای گل خندان دریاب که به امید تو خوش آب روانی دارد
 ۶-۳. تکرار سه حرف پیوسته د، ل، ا: «دلا»:
 دلا دلالت خیرت کنم به راه نجات مکن به فسق مباحات و زهد هم مفروش
 ۶-۴. تکرار سه حرف پیوسته ش، ه، ر: «شهر» (و، قافیه مقدم و تکرار دوباره حرف ش، در هر دو مصراع):
 شهرة شهر مشوتاننهم سردر کوه شور شیرین منماتانکنی فرهادم
 ۶-۵. تکرار سه حرف پیوسته ز، ا، ه (وظ، ا، ه، به شرح بند یک بالا در مورد حرف تلطیف شده عربی):
 زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست
 نمونه هایی که در بالا آورده شد، و به هیچ وجه جنبه استقرایی ندارد و از حافظه نقل

شده است، نمونه های کامل قافیه مقدم است، و گرنه بسیاری از قافیه های مقدم هست که با یک حرف یا دو حرف، و حتی کلمه یا کلماتی، از آغاز بیت یا مصراع اول به دور افتاده ولی مشمول قاعده قافیه مقدم می باشند، مانند: «ز ملک تا ملکوتش حجاب بردارند»، (قافیه مقدم پیوسته «ملک»); «تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود» (پیوسته «می»); «ای لعبت خندان لب لعلت که مزیده است»، (سه بار حرف «ل» و دوبار پیوسته «ل-ع»); «شاه شمشاد قدان، خسرو شیرین دهنان - که به مژگان شکند قلب همه صف شکنان»، (قافیه مقدم کامل، تکرار دوباره حرف «ش»)، و نیز تکرار پنج باره حرف «ش» در بیت); «کسی کز کار قلاشی بر او بعضی عیان گردد / گمان او یقین گردد، یقین او گمان گردد»، ظاهراً از سنائی، (قافیه مقدم کامل، تکرار سه باره حرف «ک»)، و تکرار پنج باره حرف «گ»)، که قریب المخرج با آن است، در واقع تکرار هشت گانه یک حرف محسوب است); «رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار / دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود» (تکرار چهار باره حرف «س» در مصراع دوم، و تکرار سه باره پیوسته «سا» و تکرار دوباره پیوسته سه حرفی «ساق» در همان مصراع، که مجموعاً با کاربرد سه باره حرف «س» در مصراع اول و «س» چهارم در واژه «دستم» در مصراع دوم آهنگ موسیقایی ویژه. نظیر زنگ کاروان به وجود آورده است). همچنین است تکرار دوباره حرف «ح» در مصراع اول، و تکرار دوباره «ح» با «ه» در مصراع دوم و تکرار دوباره پیوسته سه حرفی «حد»، در «حدیث» و «حد» در بیت زیر از سعدی: «بر حدیث من و حسن تونیفزاید کس / حد همین است سخندانی و زیبایی را».

از بحث بیشتر در این باره، و نیز نعمه حروف، که بحثی جداگانه است و موجب به درازا کشیدن این نوشته می شود. می گذریم.

آنچه تا کنون آمد، نگاهی گذرا بود به قافیه مقدم در اشعار دوره کهن شعر فارسی - که کلام هنوز طبیعی ست و به دام صنعت سازی نیفتاده است - و نویسنده گمان دارد که این سنت در شعر فارسی ریشه های بسیار کهن دارد، و ورود صنایع شعری عرب نتوانسته است آن ریشه های کهن را خشک سازد. از اشعار دوره پس از حافظ، سبک اصفهانی - هندی و نیز دوره بازگشت ادبی می گذریم و نگاهی، باز هم گذرا، می افکنیم به اشعار دوره معاصر^{۲۱} تا روشن شود که قافیه مقدم، و «نعمه حروف» در این دوره نیز رایج است و استادان کلام هم اکنون نیز از این شیوه بهره برداری می کنند:

الف - شعر سنتی معاصر

۱- ملک الشعراء بهار، که برجسته ترین شاعر سنتی این دوره است، به شیوه ای طبیعی و به دور از صنعت سازی، از قافیه مقدم استفاده بسیار کرده است. اینک نمونه ای چند، که نمودار دوام شیوه «قافیه مقدم» است در شعر امروز:

۱-۱. تکرار سه باره حرف «د» در بیت زیر از غزل معروف وی:

دعوی چه کنی داعیه داران همه رفتند شو بار سفر بند که یاران همه رفتند
و نیز تکرار دوباره همان حرف در مصراع دوم از بیت زیر از قصیده دماوندیه:

زین بیخردان سفله بستان داد دل مردم خردمند

۱-۲. تکرار دوباره حرف «ر» در مصراع اول و «خ» در مصراع دوم بیت زیر:

راستی روی نکوبش به گلستان ماند خط و خالش به گل و سبزه و ریجان ماند

۱-۳. تکرار چهار باره حرف «ن» در مصراع اول و تکرار دوباره همان حرف در

مصراع دوم، و نیز تکرار سه باره حرف «د» در انتهای بیت زیر:

نه نای و نه انگشت نایی پدید نه لب کاندرا آن نای دم در دمید

۱-۴. تکرار سه باره حرف «ک» در بیت زیر:

کنون که کار دل از زلف یار نگشاید سزد گراز من آشفته کار نگشاید

۱-۵. تکرار چهار باره حرف «خ» در بیت زیر، که از مصداق «نغمه حروف»

به شمار است:

آخر از جور تو عالم را خبر خواهیم کرد خلق را از طره ات آشفته تر خواهیم کرد

۲- مهدی اخوان ثالث

۲-۱. تکرار دوباره حرف «پ» در مصراع اول و «ب» در مصراع دوم بیت زیر:

پریان دوش پر بسته گشادند مرا بوسه و باده زغمخانه ربودند مرا

۲-۲. تکرار حرف «د» در بیت زیر:

دیدم درون آینه شوریده منظری باز از درونم آتش حسرت زبانه زد

۲-۳. تکرار دوباره حرف «الف» و حرف «آ» (و به عبارتی تکرار چهارگانه حرف

الف) در بیت زیر:

امشب الحق آسمان آباد کردی خانه ام را حال دیگر داد ماهت کلبه ویرانه ام را

۳- نادر نادر پور

از شعرای بزرگ معاصر، نادر پور کمتر به شعر سنتی پرداخته است، با وجود این دوام

سنت قافیه مقدم در شعر زیر:

آری ای اقبال معنی آفرین سر بر آراز خواب سنگین و بین

که متضمن تکرار دوباره پیوسته «آر» و نیز تکرار دوباره حرف الف در مصراع اول و نیز تکرار دوباره حرف «س» در مصراع دوم است، به خوبی به چشم می خورد.

۴- فریدون مشیری

فریدون مشیری به شعر سنتی بی اعتنا نیست و طبع موزون او از قافیه مقدم و نغمه حروف بهره بسیار می برد. قافیه مقدم در شعر مشیری بیشتر به صورت تکرار واژه ها (قافیه مقدم پیوسته) جلوه گر است، در شعر زیر:

۴-۱. هوا هوای بهار است و باده باده ناب به خنده خنده بنوشیم جرعه جرعه شراب^{۲۲}

کلمات «هوا»، «باده»، «خنده» و «جرعه» هریک به شیوه ای بسیار طبیعی در یک بیت تکرار شده است و به معنی خللی وارد نیاورده است.

۴-۲. در شعر زیر نیز کلمات «بس کن» و «باز آ» هریک سه بار به نحوی دلکش

تکرار شده است:

بس کن. بس کن. ز بیوفایی بس کن باز آ، باز آ، به مهربانی باز آ^{۲۳}

۴-۳. تکرار دوباره حرف «ش» در مصراع دوم بیت زیر نمونه کامل قافیه مقدم است

در حالی که تکرار «پیوسته مرکب» «چو آفتاب» در هر دو مصراع و نیز ردیف «بنوش» مشمول نمونه زیبای نغمه حروف به شمار است:

چو آفتاب، در آی از دم شراب بنوش شراب شبنم جان را چو آفتاب بنوش

۴-۴. در بیت دیگری از همین غزل، حرف «ش» دوباره در مصراع دوم تکرار شده

است و خوش نشسته است و نشان از آشنایی ژرف شاعر با ادب فارسی دارد:

چراغ میکده دیوان حافظ است، بیا شیبی به خلوت رندان و شعر ناب بنوش

ب- شعر امروز (شعر غیر سنتی معاصر)^{۲۴}

«شعر امروز» در ادامه سنتهای دیرپای ادب فارسی خوش به پای ایستاده و پیوستگی

فرهنگی خود را با ادب کهن پارسی پاس داشته. و وظیفه بایسته خود را در پهنه ادب موزون

فارسی به شایستگی ادا کرده است. نهایت این که اساتید شعر امروز برای پاسداری از

آزادی در بیان اندیشه، پرهیز از الفاظ اضافی- که بهره برداری از آن در چهارچوب قواعد

شعر سنتی گهگاه ناگزیر است- و دوری جستن از سخته های بیانی و واژه های مهجور،

برابری مصراعها، قافیه و ردیف و چهارچوب غزل یا قصیده را امری پرهیزناپذیر

نمی دانند و احساس تعزل یا اندیشه را در قالبهای ابداعی خویش بیان می کنند و در همه

حال به موسیقی کلام و ارزش آهنگین آن، که وجه امتیاز آن از نثر است، آگاهانه توجه

دارند. اینک شما و گلگشت در چمنزارهای پر گل و ریحان شعر امروز و جلوه گریهای

قافیه مقدم در آنها.

۱- مهدی اخوان ثالث

مهدی اخوان ثالث با تسلط بر ادب فارسی و دسترسی به واژگان هماهنگ پارسی، از این صنعت برای تأکید و تشدید ادراک خود و القاء بهتر احساس خود به خواننده و نیز افزودن بر شیوایی کلام استفاده بسیار می برد. قافیه مقدم و نغمه حروف در کلام وی خوش نشسته و طبیعی می نماید.

۱-۱. تکرار دوباره حرف «خ» در شعر «قاصدک»:

قاصدک، هان، چه خبر آوردی

خوش خبر باشی، ...

۱-۲. تکرار دوباره حرف «س» و «ش» در بیت زیر («از این اوستا»):

سخن می گفت سر در غار کرده، شهریار شهر سنگستان

۱-۳. تکرار دوباره حرف «خ» در مصراع زیر:

خنده اش خونی ست اشک آمیز... («باغ من»، زمستان)

۱-۴. تکرار دوباره حرف «ش» و «با» و «میم»، در مصراع زیر:

شکایت با شکسته بازوان میترا می کرد... .

۱-۵. تکرار حرف «غ» و «ق» تلطیف شده در مصراع زیر:

غمان قرن‌ها را زار می نالید

۱-۶. تکرار سه باره حرف «خ» در مصراع زیر («آخر شاهنامه»):

خانه خالی بود و خوان بی آب و نان

۱-۷. تکرار سه باره حرف «س»، در قطعه زیر:

پاک می دانی کیان بودند...

آن کبوترها که زد در خونشان پرپر

سربی سرخ سپیده دم؟

۱-۸. تکرار سه باره پیوسته «یار» و دوباره «دیار» و قافیه بندی خوش آهنگ «یار»

و «بار» در پایان بیت زیر از شعر «قاصدک»، و تکرار دوباره «نه - ز»:

انتظار خبری نیست مرا

نه زیاری، نه ز دیار و دیاری باری^{۲۵}

۱-۹. تکرار سه باره حرف «ب» در بیت زیر («باغ من»، زمستان):

باغ بی برگگی

خنده اش خونی ست اشک آمیز

۲ - نادر نادرپور

نادر پور با دسترسی به گنجینه ادب پارسی و بهره برداری از زیباییهای کلامی آن، ادامه دهنده سنتهای شعری کهن در شعر امروز است.

۱-۲. تکرار دوباره حرف «ط» (و سه باره با «ت»)، و نیز تکرار دوباره حرف «ص»

(و سه باره با «س») در مصراع زیر:

طنین طبل تنفس، صدای صاعقه سرخ

۲-۲. تکرار دوباره حرف «ش» (و نیز تکرار حرف «س» با «ص») در مصراع زیر:

شهر شراب سرخ در آغاز صبحگاه

۳-۲. تکرار دوباره حرف «میم» (و نیز تکرار هماوای حرف «ظ»، «ض» و «ز») در

مصراع زیر:

مغز من، ظالم تر از ضحاک و زهر آگین تر از مار است (از شعر: بیمار بیدار)

۴-۲. تکرار سه باره حرف «ش» در مصراع زیر (و یا پیوسته «ش» و «ع»):

شعر از شعور رو به شعار آورد

نادرپور از نغمه حروف، که گاه در حکم قافیه مقدم است، با آگاهی کامل از ارزش موسیقایی حروف، هماهنگی پاره ای و تنافر پاره ای دیگر، بسیار بهره می گیرد. اما چون شگردهای مزبور به روال طبیعی در بطن متن شعر جای گرفته است به چشم نمی خورد و همزمان احساس شاعر را فشرده تر می سازد و القای آن را در خواننده قوی تر می سازد. به نمونه های زیر توجه کنید:

۵-۲. شلاق سرخ صاعقه بر پشت آسمان (تکرار «س» و «ص»). ترکیب موسیقایی

تمامی حروف این مصراع احساس خشونت و شتاب را به طرز ناخود آگاه به خواننده منتقل می سازد.

۶-۲. در صبح آفتابی آفاق (تکرار حروف پیوسته آف) در آفتاب و آفاق:

غواص لجه های زمان بودم

صیاد جثه های ظریف زمان شدم. (تکرار آوایی «ص» و «ث» و «ظ» و «ز») از

شعر «در اعماق».

۷-۲. برهنگی چه سیاه است.

تو گویی آن زن زیبای زیرک زنگی است. (تکرار چهار باره حرف «ز»، و زنگ واژه

«زنگی» در بازتاب سیاهی): از شعر «مدح برهنگی».

۸-۲. کهن دیارا، دیار یارا (تکرار سه باره پیوسته «یار»)...^{۲۵}

که گر گریزم، کجا گریزم. وگر بمانم، کجا بمانم (تکرار سه باره حرف «گ»)، و تکرار چهار باره حروف پیوسته «گر») از غزل ۲

۳ - فریدون مشیری

آشنایی کامل فریدون مشیری با ادب سنتی ایران و آگاهی ژرف وی از شگردهای آن، سبب شده است که بسیاری از صنایع شعری، از جمله «قافیه مقدم»، در شعر امروزی وی نیز جلوه گر شود. اینک چند نمونه از به کارگیری قافیه مقدم در شعر امروزی مشیری:

۱-۳. تن تبار من یکدم نیاسود (تکرار دوباره حرف «ت») و توازن موسیقایی «تن» و «من») از شعر «بابا، لالا نکن»

۲-۳. چشم تو چشمه شراب من است (تکرار پیوسته چ، ش، م) از شعر «شبم و شب چراغ»، که این عنوان خود مصداق قافیه مقدم است.

۳-۳. شاید این شاهد غمگین غروب (تکرار دوباره حرف «ش» و نیز «غ») از شعر «سرو» نمونه های لطیفی از «نغمه حروف»، که با نوعی قافیه مقدم ساخته و پرداخته شده است، نیز در شعر امروزی مشیری به چشم می خورد:

۴-۳. آسمان آبی و ابر سپید (تکرار دوباره «آ») و افزونی «ا» (در ابر) برگهای سبز بید (تکرار دوباره حرف «ب» و قافیه بندی سنتی)، از شعر «خوش به حال غنچه های نیمه باز».

۵-۳. افکنده سایه بز سر و بر سر نوشت (تکرار سه باره حرف «س»)، و تکرار دوباره پیوسته «بر») و «سر») از شعر «در ایوان کوچک ما».

لندن

زیرنویس:

۱- "Alliteration is commencement of words in close connection (especially in early teutonic poetry, of accented syllables) with the same letter or sound": *The Concise Oxford Dictionary*, 1961.

"Alliteration is the repetition of usually initial consonant sounds in two or more neighbouring words or syllables (as in wild and wooly)": *Webster's New Collegiate Dictionary*, 1977.

۲- او نیز مرا در مشکلات زبان انگلیسی یاری می داد. در سبب یادگیری زبان فارسی می گفت: «پدم به من گفته است که اگر دکتری زبان انگلیسی را هم بگیری تا زبان فارسی را خوب یاد نگیری «فاضل» محسوب نمی شوی، و کلمه «فاضل» را به فارسی می گفت.

۳- بعدها دریافتم که خود انگلیسی ها نیز این صنعت را گاه قافیه مقدم initial rhyme و head rhyme

می نامند.

۴- علاقه مندان می توانند از کتابهای زیر استفاده کنند:

- a) *Cassell's Encyclopaedia of World Literature*: Cassell & Co. Ltd.
 b) *Oxford English Dictionary*, vol-1.
 c) *The Cambridge Companion to Old English Literature*, 1991.

۵- Teutonic

۶- The Normans; Norman-Frdnch: 1066 A.D.

۷- Full fathom five thy father lies the Tempest ; see: *The Oxford Dictionary of Quotations*. 1985.

۸- W.H. Auden 1907-1973.

۹- "Who often, but without success, have pray'd

For apt Alliteration's artful aid; *The Prophecy of Famine*, 1.85; Charles Churchill, 1731-1764, Ibid, ©.

۱۰- به علت انتقادهای مرحوم هروی از جامع نسخ حافظ فرزاد، میانه آنها چندان خوب نبود. بنگرید: مجموعه «مقالات حافظ»، نوشته دکتر حسینعلی هروی، نشر کتاب سرا، ۱۳۶ صفحه های ۴۰ تا ۸۵ و نیز ۸۹ تا ۱۶۴.

۱۱- مقصودش اصرار و تشویق من بود به فراهم آوردن شرح غزلهای حافظ پس از آن همه نقدها که بر چاپهای مختلف دیوان حافظ نوشته بود.

۱۲- مقالات حافظ، صفحه ۱۳۴؛ «در بیت مورد بحث نیز همین صنعت به کار رفته است»- صفحه ۱۳۳.

۱۳- مقالات حافظ، صفحه ۳۹۳ تا ۴۲۷، در پاسخ «کلام و پیام حافظ»، از احمد سمعی

۱۴- نگارنده این سطور مقاله مزبور را ندیده است.

۱۵- مثلا night و knight یا note و gnome که حروف k و g چون نوشته می شود ولی خوانده یا تلفظ

نمی شود، در حکم N محسوب می شوند. به نمونه های زیر نیز توجه کنید:

a) I know not.

b) Once a king. Always a king,
 Once a knight is enough.

۱۶- تقریباً؛ شبیه این گفته انگلیسی با حرف "g" "All is not gold that glitters"

۱۷- تقریباً شبیه safe and sound در زبان انگلیسی با حرف "s".

۱۸- این عبارت هم تقریباً معادل است با Come hell or high water، که در آن حرف H دوبار آمده است.

۱۹- برابر انگلیسی آن Higgledy-Piggledy است، که اگرچه حروف نخست این دو کلمه یکسان است، بقیه

حروف به تمامی یکسان و تکراری است، شبیه اصطلاح «خنزر بنزر» در فارسی.

۲۰- در بیت زیر، از ابوسعید ابوالخیر، در پاسخ رهروی ابوتراب نام، که در خطاب به شیخ خود را «تراب مقدمه»

خوانده بود:

تا خاک شدی، خاک تو را خاک شدم چون خاک تو را خاک شدم، پاک شدم

قافیه مقدم سه حرفی پیوسته «خاک»، چندان طبیعی به کار رفته که تکرار پنج باره آن کسالت آور نیست، و همزمان تأکیدی است بر احساس فروتنی شیخ و پاک شدن وی بر اثر فروتنی.

۲۱- بیشتر ایات نمونه، حاصل تورق سه ساعته ای است در بخش «مجموعه اشعار»، «کتابخانه مطالعات ایرانی»

لندن، که الحق کتابخانه ای است بسیار مرغوب با مدیریتی مطلوب، که مرا در این جستجوی کوتاه یاری دادند.

۲۲- تکرار واژه ها در شعر مولوی، نظیر بیتهای زیر، بسیار است

اندک اندک جمع مستان می رسند اندک اندک می پرستان می رسند

اندک اندک زمین جهان هست و نیست نیستان رفتند و هستان می رسند

۲۳- بنگرید به تکرار واژهٔ امری زیر در شعر مولوی، و نیز تکرار دوبارهٔ حرف «ب» و «ا» در مصراع دوم.

بجوشان، بجوشان شرابی ز سینه بهاری بیاور از این برگریزان

۲۴- نگارنده با اصطلاح «شعر نو» موافق نیستم، زیرا که «نو» در مقابل کهنه قرار دارد. در حالی که روشن است

که بسیاری از سروده‌های سنتی امروز، و یا چند قرن قبل، نه تنها «کهنه» نیست بلکه از تر و تازگی و ترنگی ویژه‌ای برخوردار است که در بسیاری از «شعرهای نو» دیده نمی‌شود. در بیان «شعر امروز» نیز به نوشته‌های نردبانی، دایره‌ای، پلکانی و نوشته‌هایی که با درج واژه‌ها یا نامهای بیگانه، ادعای شعر بودن دارند، نظر ندارم.

۲۵- مقایسه کنید با بیت زیر از سعدی:

به هیچ یار مده خاطر و به هیچ دیسار که برو بحر فراخ است و آدمی بسیار

یا بیت زیر از حافظ:

حافظ طمع برید که بیند نظیر تو دیسار نیست جز رخت اندر دیار حسن

و نیز:

به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار که از جهان ره و رسم سفر براندازم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی